

ملزومات پیشروی و پیروزی انقلاب!

اکنون در هفتمین هفته خیزش انقلابی ژینا قرار گرفته ایم. در تمام این مدت سرکوبگران صفوف ما را در خیابان، در دانشگاه و در مدرسه به گلوله بسته و پاره های تنمان را از ما گرفته و بسیاری از مادران و پدران را در غم اندوه از دست دادن فرزندانشان در ماتم نشانند. اما جمعی از مادران دانش آموزان از مدارس و شهرهای مختلف ایران که فعالیت خود را تحت عنوان "مجمع مادران پیشرو" آغاز کرده اند در بیابانه اعلام موجودیت خود تحت عنوان "مدرسه مامن آزادی، علم و حقیقت است" نوشتند: «روزهای پرتلاطمی را از سر می گذرانیم. آن چه بر مهسا امینی عزیزمان رفت، قلب تمام کشور را به درد آورده است. نوجوانی که به دلیل قانون حجاب اجباری توسط گشت ارشاد بازداشت شده بود و جنازه اش تحویل پدر و مادرش شد. همسالان، همدردان و همه آنان که از این ستم آشکار خشمگین بودند، به فریاد آمده اند. پیداست که این خروش سر باز ایستادن ندارد. با گذشت یک ماه از آغاز اعتراضات سراسری در ایران ما هر روز شاهد تکثیر آن در مدارس و دانشگاه ها و خیابان هستیم. امروز دانش آموزانی که سالها مخاطب آموزشهای خرافی شما بودند، حجاب از سر بر میدارند و همپای معترضین، "زن، زندگی، آزادی" را فریاد میزنند. لابد ویدیو دانش آموزان را دیده اید که در جواب بازجویی خیابانی نیروهای امنیتی با زیرکی و سرزندگی همیشگی شان خود را شاگرد مدرسه آزادی میدانند. شاگردانی که نامشان مهسا، نیکا و سارینا است. این نسل بر هر آن چه پوسیده و غیرمنطقی است شوریده است. روح سرزندگی این نوجوانان، زندگی دوباره، به باور و امید دمیده است. و این امید به آینده روشن است که دانش آموزان را در پرسش گری مصمم می کند. آن ها هیچ نمی خواهند جز آزادی!»

اکنون باید به تجربه یاد گرفته باشیم که برای دستیابی به آزادی، برای پیروزی انقلاب به ملزومات زیادی نیاز داریم که باید در جریان این خیزش انقلابی بتوانیم آنها را فراهم آوریم. بدون تردید مهمترین نکته این است که دید روشنی از اهداف انقلاب، از افق انقلاب، از نیروهای انقلابی و از سیر پیشروی آن داشته باشیم. اگر قرار است تنها به رفتن خامنه ای



حضور وسیع جمعیت داغدار و خشمگین حاضر در مراسمهای تشییع جنازه، هفتم و چهلم جانباختگان به دست رژیم سرمایه داری فرصت مناسبی را برای اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی و سر دادن شعارهای انقلابی و توده ای کردن اعتراضات بوجود آورده است. توده های انقلابی در مرگ عزیزانشان زانوی غم بغل نمی گیرند و از مراسم های ارتجاعی خبری نیست. مردم پیشرو و انقلابی فرزندانشان را در سکوت و غم به خاک نمی سپارند. این سنت پیشرو را باید گسترش داد و تداوم بخشید. حکومت های مستبد هیچگاه به تسلیم شدگان رحم نکرده اند و تنها راه عقب راندن آنها، مبارزه و مقاومت توده های کارگر و زحمتکش است.

برای آزادی زندانیان سیاسی همبسته و متحد تلاش کنیم!



در صفحات دیگر:

خیزش انقلابی در ایران!

خطاب به رده های پایین نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی

بیانیه مشترک: به سوی ایجاد قطب چپ و سوسیالیستی

در کردستان

ضرورت ایجاد صندوق های همبستگی کارگری

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
دلال گروه له (تکس)

takesh.komalah@gmail.com

داری دارد، میتواند گورکن این نظام باشد. بنابراین نباید فراموش کنیم که اگر طبقه کارگر با سلاح اعتصاب سیاسی سراسری خود، به میدان نیاید، آنوقت خیابان درغیاب حضور قدرتمند طبقه کارگر تنها مانده و نمیتواند پیروزی شجاعت ها و قهرمانی های میلیونها تن از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب را تضمین کند. حضور قدرتمند طبقه کارگر انقلابی و آگاه نقش تعیین کننده آن در چگونگی به سرانجام رساندن انقلاب، در چگونگی ترسیم افق آینده و بالاخره نوع دولتی را که میخواهیم جایگزین حکومت اسلامی سرمایه داران و نظم سرمایه دارانه و ستمگرانه کنونی کنیم، بازی میکند. اگر قرار است خطر مصادره و شکست انقلاب آینده ی ایران را برطرف سازیم، یکی از پیش شرط های آن سازمانیابی و تشکل یابی جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو و رادیکال اجتماعی است. لازمه اش ایجاد شورای های کارگری در مراکز کار و تولید است. لازمه اش ایجاد شوراهای در محلات، در دانشگاه و مدارس است. اگر بنا باشد انقلاب آینده ی ایران همچون ویرانه ای بر سر کارگران و فرودستان و کل نیروهای انقلابی و سوسیالیستی فرو نریزد، لازمه اش نیرومند ساختن صف طبقاتی و اجتماعی در مقیاس محلی و سراسری است؛ لازمه اش این است که از هم اکنون در فکر پایه ریزی شوراهای در کردستان باشیم و نگذاریم احزاب و نیروهای ناسیونالیست در فردای سرنگونی حکومت اسلامی، حاکمیت احزاب را بجای حاکمیت شورایی به مردم تحمیل کنند. لازمه اش ترسیم چشم انداز روشن و آلترناتیو سوسیالیستی

و دیکتاتور اکتفا نکنیم، بلکه تمام دستگاه سرکوب رژیم از سپاه پاسداران و ارتش و دیگر نیروها و نهادهای سرکوب را در هم شکنیم و نیروی مسلح توده های بپا خاسته تحت هدایت شوراهای وظیفه حفاظت از دستاوردهای انقلاب را برعهده گیرد؛ اگر قرار است که در بر همان پاشنه سابق نچرخد، که اقلیتی کوچک از رهگذر استعمار و به غارت بردن نیروی کار کارگران بر ثروت های نجومی خود بیفزایند، اگر قرار است که به اسارت و ستم کشی زنان پایان داده شود؛ اگر قرار است کسی باشکم گرسنه شب سر بر بالین نگذارد و یا در میان زباله ها دنبال نان خشکیده ای برای سیر کردن شکمش نگردهد؛ اگر قرار است که هیچ کودکی به جای رفتن به مدرسه در کارگاهها، نشاط کودکی خود را به مزد ناچیزی نفروشد؛ اگر قرار است آزادی های بدون قید و شرط سیاسی تضمین گردند در اینصورت نباید انقلابمان را نیمه کاره گذاشته و فقط به رفتن دیکتاتور و خامنه ای راضی شویم. در آن صورت تمام ثمره شجاعت ها، تمام فداکاری ها و از جان گذشتگی ها و تمام درد و رنجی را که در جریان به ثمر رساندن انقلابمان انجام داده ایم، را به سرعت از دست خواهیم داد. اگر اکنون ما داریم در خیابان تاریخ خود را مینویسیم، نباید اجازه دهیم که در فردای بعد از سرنگونی حکومت اسلامی، کسانی با فریبکاری دستاوردهای انقلاب را از دستمان بربایند. همانهایی که عوامفریبانه کوشش میکنند که مرزهای طبقاتی را با لفاظی های توخالی مخدوش کنند. نباید بگذاریم همانهایی که تا دیروز در دالانهای پارلمان های قدرتهای



امپریالیستی به دیوژگی نشسته بودند، آنهایی که خواهان "رژیم چنج" به یمن امکانات لجستیکی این قدرتهای سرمایه داری بودند در فردای سرنگونی حکومت اسلامی، قدرت را در دست بگیرند و انقلاب را به شکست بکشانند. از منظر آنها بازهم قرار

است که کوچکترین تغییری در وضعیت کارگران بوجود نیاید، باز هم قرار است که نیروهای سرکوبگر همچنان سر جایشان بمانند و شرایط اسارتبار، بازسازی شود.

برای دگرگونی انقلابی و برقراری جامعه ای آزاد و سوسیالیستی است؛ لازمه اش تقویت و گسترش قطب چپ و سوسیالیستی در وسیع ترین معنای آن، که هم کل نیروها و سازمان های انقلابی و کمونیستی متشکل و نیروی چپ اجتماعی و فعالین چپ و رادیکال مستقل را در کنار هم قرار دهد و هم جنبش های طبقاتی و رادیکال اجتماعی را نیز به هم پیوند دهد.

اگر نمی خواهیم انقلاب به شکست کشانده شود، یکی از ملزومات اصلی پیروزی انقلاب حضور طبقه کارگر در صحنه سیاسی است. این تنها طبقه کارگر آگاه است که با توجه به جایگاهی که در تولید اجتماعی و در سوخت و ساز جامعه سرمایه

عباس منصوران

جنبش انقلابی در ایران!



انفجاری که در روز ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ با قتل دولتی ژینا (مهسا) امینی آغاز شد، به خیزش سراسری و اکنون در پنجاهمین روز خود به یک جنبش انقلابی برای سرنگونی کل حکومت اسلامی تکامل یافته است. اگر در روزهای اول، رفرمیست‌ها تلاش کردند خواست‌ها را در حد مخالفت با پوشش اجباری اسلامی و روسری و برداشت گشت ارشاد تنزل دهند، اما بلافاصله با شعار زن، زندگی، آزادی، مرگ بر دیکتاتور و حکومت اسلامی نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم تکامل یافت. نام ژینا جاودانه و کلید رمز این جنبش سراسری گردید. پشتوانه و زمینه مادی این جنبش، تراکم و انباشت خواست‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از جنبش شکست خورده‌ی مشروطه از سال ۱۹۰۶ تا کنون بوده است. قانون اساسی مشروطه ایران از همان سال‌های ۱۹۰۶ نظارت فقهی ۵ آیت‌الله را برای نظارت بر تمامی قانون اساسی مشروعیت بخشید. بنابراین به جای مشروطه، مشروعه رسمیت یافت یعنی قوانین مذهبی در اولویت قرار گرفت و حتی جامعه مدنی سرمایه‌داری، رواج نیافت و دین و روحانیت سهم جایگاه انگلی خود را تضمین کردند. با اینگونه، علیرغم شرکت سوسیالیست‌ها و نیروهای دمکرات و زحمتشکان در شکست استبداد مطلق، جنبش مشروطه در ایران با سازش روحانیت و بازار و اشرافیت قاجاری و بورژوازی کمپرادور به شکست انجامید.

در ایران هیچگاه پدیده‌ای به نام بورژوازی ملی و کلاسیک سنتی به مناسبات حاکم تبدیل نشد، بلکه بورژوازی جوامع پیرامونی و دلال کشورهای متروپل سرمایه‌داری تا کنون مناسبات سرمایه‌داری را حاکم گردانید. شاهان پهلوی (رضا شاه و محمدرضا شاه) هردو، دست‌نشانده‌ی کشورهای متروپل سرمایه‌داری بودند و با دو کودتای انگلیسی و آمریکایی سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۵۳ برخوردار از پشتیبانی روحانیت، بازار و لپمن‌ها و اوباشان، قدرت سیاسی را به دست گرفتند و در مجموع ۵۳ سال مستبدانه حکومت راندند.

انقلاب سیاسی سال ۱۹۷۸ در ایران ادامه‌ی همان خیزش برای دستیابی به همان خواست‌های تاریخی، طبقاتی در نخستین فاز سیاسی خود با دخالت قدرت‌های بزرگ

سرمایه‌داری به شکست انجامید و ناتمام ماند. در نشست گوادلوپ (از ۴ تا ۷ ژانویه ۱۹۷۹) رؤسای دولت ۴ قدرت اصلی بلوک غرب (آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی) یکی از موضوعات اصلی آن بررسی وضعیت بحرانی ایران در آن برهه بود. آنان نگران قدرت‌یابی جنبش چپ و کارگری بودند و برای حفظ استراتژیک ایران در منطقه به سود سرمایه‌داران، به قدرت‌یابی اسلام سیاسی رای دادند. آنان خمینی و مهره‌هایی آموزش دیده در غرب را از اروپا و آمریکا و آمریکا به پاریس آوردند و با آنها به توافق رسیدند که ارتش را منحل نکنند، جریان نفت را بر روی کمپانی‌های نفتی باز نگه‌دارند و چپ و جنبش کارگری را سرکوب کنند. بنابراین، اسلام سیاسی به‌عنوان ارگان سازش قدرت‌های سیاسی امپریالیستی به حکومت نشست. افزون بردولت‌های غربی، روسیه و چین، نقش نیروهای پرو روس و برادر (چپ سنتی در ردیف حزب توده، اکثریت فدایی و...) و ملی-مذهبی‌ها، در تثبیت حکومت اسلامی نقش اساسی داشتند.

حکومت اسلامی بیش از ۴۳ سال تا کنون در ایران کشتار و جنایت و مرگ و نیستی و فلاکت و سرکوب جنبش‌های کارگری و زنان و تهی‌دستان و انتیکی دست زده و هرگونه ندای آزادیخواهانه را به خون کشانیده است. حکومت سرمایه با ایدئولوژی اسلامی، نه تنها در ایران، بلکه در منطقه خاورمیانه نیز ویرانی، مرگ، تروریسم، دخالت‌های نظامی آفریده و در نقش نیابتی سرمایه در جنگ سوریه، یمن، لبنان، فلسطین، عراق و... این کشورها را به ویرانی کشانیده و با رشد و گسترش باندهای اسلامی تبه‌کار جهان را ناامن ساخته است. این روزها در ایران شعاری رواج یافته که گویای واقعیت است: «عبا بیش از وبا، انسان‌کشی کرده است.»

جنبش انقلابی کنونی، واکنش مردم در برابر این همه سال جنایت است. نیروهای مادی این جنبش انقلابی با شعار زن، زندگی، آزادی، اداره شورایی! با جان‌فدایی، درحال مبارزه‌ای تاریخی برای خودآفرینی انکار شده‌ی خویش‌اند. جنبش انقلابی به شرایط سرنوشت

سازی وارد شده است. نیروهای مادی و اصلی این جنبش به صورت زیر هستند:

یکم- زنان و مردان کارگر و تهی‌دستان شهر و روستا، یعنی همان بازماندگان برده‌گان، دوم- زنان، به‌سان یک جنسیت تاریخی و هستی‌آفرین، از دوران‌های طبقاتی برده‌داری تا کنون، سوم- دانشجویان و دانش‌آموزان پیشتاز و چهارم- اتنیسیته‌های سراسر ایران، نیروهای مادی انقلابی جاری هستند.

در این برهه، افکارعمومی جهان به گونه‌ای که از این خیزش به‌سان «خیزش جهانی» نام برده می‌شود، یک نظاره گر بی تفاوت نیست، بل که از آن پشتیبانی می‌کنند. اینک، سرنگونی حکومت اسلام سیاسی، یک ایده نیست، بل که به یک ضرورت مادی و به یک دستورکار عملی روز تبدیل شده است.

زندان‌ها و کف خیابان‌ها و دانشگاه‌ها و مدارس و کار و کوچه و محله، با خون و فریاد به پاخاسته‌گان سرخگون شده‌اند. جهانیان، به ویژه در خاورمیانه، زنان زیر ستم و کارگران و تهی‌دستان و جوانان در خاورمیانه به انقلاب در ایران چشم امید دوخته‌اند و رهایی خود را در گروی پیروزی انقلاب در ایران می‌دانند. این نیروها حکومت تبه‌کاراسلامی در ایران را همانند خاستگاه داعشیسم در این منطقه و هیولایی ویران‌ساز زیست و زندگی و جهان هستی شناخته‌اند.

تا کنون بیش از ۵۰ کودک ۲ تا ۱۸ ساله به قتل رسیده‌اند. شمار کشته‌شدگان اعلام شده زن و مرد به ۳۰۰ تن افزایش یافته. بیش از پانزده‌هزار بازداشت و زیر شکنجه قرار دارند. زندان‌های مخوفترین زندان خاورمیانه در تبریگی شب ۱۷ اکتبر به دست رژیم به آتش کشیده شد، در حالیکه در میان آتش و دود بر سر زندانیان آتش و بمب و خمپاره‌های آتش زامی‌بارید، شمار کشته‌شدگان را ۸ نفر اعلام کردند که بسیار بیش از این رقم است. کشتار تروریستی در شاه چراغ شیراز در ۸ آبانماه در همکاری با داعش، تجاوز و شکنجه به دختران و پرتاب آنان از بلندی و اعلام اینکه همه خودکشی کرده‌اند. تجاوز به



دختران و پسران جوان با اعلام اینکه «همروئید» داشته‌اند. اعلام نام همروئید، استعاره‌ای است به تجاوز به دختران و پسران تا در دل‌ها هراس افکنند و جامعه را به شوک فروبرند. اعتراض و سنگر بندی خیابانها، و درگیری تا شب‌ها ادامه دارد. خانه‌های شهرها در همه‌ی محلات، از نیمه‌های شب به بعد جای خیابان‌ها را می‌گیرند. شبانه در اکثر خانه‌ها، مرگ بر حکومت و شعارهای انقلابی، صدای شهرهای ایران است. در تهران جنب شهر یعین پایگاه‌ها مذهبی و مسجد و سرکوب رژیم برخاسته و نازی‌آبادها، جوادی‌ها و شهر ری‌ها به پا خاسته‌اند و با درگیری در برابر نیروهای سرکوب، آنان را در برخی موارد خلع سلاح کرده و اتومبیل‌های پلیس را به آتش کشیده و حکومت را به هراس افکنده‌اند. سرکوبگران، به گونه‌ای فاشیستی شبانه خانه‌ها را شناسایی کرده و علامت گذاری می‌کنند و روز بعد با حمله به خانه‌ها و تخریب اموال عمومی و غارت، به تهدید و شکنجه و تجاوز و قتل خانواده‌ها و وابستگان دستگیر شده‌گان می‌پردازند.

شرایط و آمادگی در کردستان آماده‌تر است. روی‌آوری به دفاع مشروع در سطح جامعه آشکار است. سازماندهی‌ها و رهبری میدانی و محلی در سراسر ایران، تظاهرات و اعتصاب‌ها را به پیش می‌برند.

حکومت اسلامی، با برپا کردن دارها، رژیم با اجیر کردن آدمکشان و قاتلین حرفه‌ای به نام «لباس شخصی» و بسیج و امنیتی‌ها، انتقال نیروهای نیابتی خود از جمله جیش الشعبی، حزب‌الله و دیگر نیروها از سوریه و لبنان، ایجاد تنش‌های مرزی با کردستان عراق و آذربایجان و تحریک در آنسوی رود ارس و نخجوان برای انحراف افکار عمومی و... از جمله سیاست‌های حکومتی است که هیچ‌امیدی به فردا ندارد.

پیش‌تازان به خون‌خفته با آرمانهای رهایی، سینه سپر کرده با جانهای عزیزشان، ارزش‌های غیرقابل شمارش، مادیت یابی و زمینه‌های عینی برای دست‌یابی به آرمانهای رهایی هستند. این جنبش، هست و نیست خود را برکف اخلاص و فداکاری گذارده و برآن است تا کار را یکسره کند. جان برکفان جنبش، سر بازگشت ندارند. زنان پیش‌تاز، همانند ایزدبانوان روی زمین برای بازگشت و بازآفرینی خویش، صف کشیده‌اند تا به نفی خدای کشتارهای دهها هزار نفری دهه‌ی ۱۹۸۰ بپردازند. زنان، روسری‌هایشان را به نشانه‌ی زنجیر اسارت و بردگی تاریخی‌اشان آتش می‌زنند، پایگاه‌های نظامی سپاه و پلیس و ستم و فریب و نیرنگ را به آتش می‌کشند تا برچیده شوند. پل‌های بین گذشته و آینده‌ی

خدای دهه ۸۰ و فرماندهی در مانده‌اش خامنه‌ای، تخریب و در حال فروریزی هستند. گسلی بین آینده و گذشته حکومت اسلامی سرمایه، دهان گشوده که تمامی نیروهای حکومت بر آن پلی نمی‌توانند بست.

ماهیت حکومت اسلامی تجاوز، شکنجه، کشتار، ترور و ویرانگرهایی است که در ایران به نمایش گذارده شده است.

در ایران و بیرون از ایران در این ۵۰ شبانه روزی که جهان را از خواب و خاموشی بیدار ساخته، با یک اوج‌یابی (پیک) مبارزات انقلابی روبرویم که بر محور مناسبات طبقاتی جاری است. اینک هر طبقه و لایه‌ی اجتماعی با تضادهای آشتی‌ناپذیر در این تندپیچ تاریخی هریک در تلاش برای جهت‌دهی روند جاری به سود طبقه‌ی خویش است.

صدای انقلاب را هم حکومت اسلامی شنیده است، هم دولت‌های کلان سرمایه‌داران جهانی. فراکسیون‌های اپوزیسیون بورژوازی با برخورداری از رسانه‌ها، کادرها، چهره‌ها، و تمامی امکانات مادی و فنی خود، به بسیج نیرو پرداخته و به تشکیل گزینه‌های سیاسی خویش برای کسب قدرت سیاسی در تلاش‌اند. برخی از این نیروهای خواهان جابجایی حکومت اسلامی به یک دولت آلترناتیو بورژوازی، سلطنت‌طلبان، جمهوریخواهان لائیک، احزاب ناسیونالیستی مرکز همکاری احزاب کردستانی، مجاهدین خلق، برخی از اسلح‌طلبان بریده از حکومت و.. به شمار می‌آیند.

ستاد مرکزی رسانه‌ای سرمایه‌داران رقیب حکومت اسلامی، در نقش تلویزیون ایران انترناسیونال (در لندن)، برپا شده برخورداری از کادرهای پرورش یافته، به صورت ۲۴ ساعته، رهبری تبلیغات بورژوازی اپوزیسیون حکومت اسلامی را به عهده گرفته است. در راهروها و اتاق‌های فکر و وزارت‌های امور خارجه دولت‌های ریز و درشت سرمایه‌ی جهانی، ترافیک سختی در جریان است. آنان در تلاش هستند تا به زودی دولت‌های در تبعید و دوران گذار خود را اعلام می‌کنند. اما طبقه کارگر و خلق‌های زیر ستم و زنان به پا خاسته و نیروهای رادیکال انقلابی چپ و دارای پایگاه‌های و پیوندهای اجتماعی، نیروهای تعیین کننده و پویای غیرقابل انکاری هستند که در سوی دیگر این مبارزه طبقاتی قرار دارند.

شرایط نیروهای چپ و کارگری و پیشرو

طیف چپ جامعه، گستره‌ی هزاران نفره‌ای از فعالین و پیشروان جنبش‌های اجتماعی در ایران عضو پیش‌تازانه زنان از دختران دبیرستانی گرفته تا دانشجوی و بیکار و کارگر و زحمتکش و.. در تاریخ بی سابقه است.





تابوها شکسته شده است، اعلام روزهای چهلم جانباختگان، و حضور هزاران نفره در مزارستانها، تاکتیک عمامه پرانی، روسری سوزانی، کاربرد مقاومت مشروع و قهر در برابر خشونت‌های حکومتی و شناسایی و اعلام نام و آدرس آدمکشان حکومتی و تنبیه برخی از نیروهای سرکوبگر و جاش و مزدور و... آتش زدن عکس‌ها و بنرهای سران حکومتی، آتش زدن پایگاه‌های پلیس، خودروهای پلیس و سپاه، اشغال پایگاه‌های نظامی، ریزش نیروهای حکومتی، گفتمان فرار برخی و انتقال پول و ارز سران حکومتی و خانواده‌هایشان به خارج، گفتمان و اعتراف برخی از سران حکومتی به شکست و فروپاشی حکومت، سازمانیابی شوراها و کمیته‌های محلات، زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان به صورت سراسری، کارگران پیمانی نفت و گاز و پتروشیمی از جمله اقداماتی که روز به روز تکامل و گسترش تازه‌تری می‌یابند. توده‌های به پا خاسته در ایران به سوی یک انقلاب به پیش‌می‌روند که تمرکز آن سرنگونی حکومت اسلامی است.

اگر بپذیریم که پرسش تاریخی هر انقلاب، قدرت سیاسی است، این واقعیتی انکارناپذیر است که در زیر پوست و کف جاری این روند، یک مبارزه‌ای طبقاتی در جریان است. زنان و مردان و فرزندان کارگران در این خیزش بدون سازمانیافتگی کامل، نیروی مادی تعیین‌کننده‌ای هستند که بهایی سنگین می‌پردازند. کارگران، جدا جدا، در بخش‌های تعیین‌کننده نفت و گاز، پتروشیمی، پالایشگاهها، ترانسپورت و آموزش و فرهنگ، پولاد و نیشکر هفت‌تپه، ترانسپورت، مراکز درمانی و بهداشتی و دیگر بخش‌های خدماتی و... پیش اعتصاب‌های عمومی را با آزمون و خطا تجربه می‌کنند تا نیروی طبقاتی و سراسری خود را برای اعتصاب سراسری و سرنوشت ساز ارزیابی کنند.

در یک کلام، نه حکومت، امکان بازگشت به موقعیت سابق خویش را دارد و نه به پا خاسته‌گان به موقعیت سابق بازمی‌گردند. این یک روند انقلابی است و سرنگونی حکومت اسلامی به یک اراده‌ی اجتماعی تبدیل شده و امری حتمی است.

۴ نوامبر ۲۰۲۲

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:

برای آزادی زندانیان سیاسی همبسته و متحد تلاش کنیم!



بار گسترش یابد، اما جوانان و توده‌های بپا خاسته مرعوب سیاست سرکوب و کشتار نشده و با عزمی استوار همچنان در کف خیابانها حضور دارند.

کارگران، زحمتکشان! مردم شریف و آزاده!

زندان، شکنجه و کشتار در سرشت جمهوری اسلامی بوده و هم اکنون که این رژیم ارتجاعی و سرکوبگر مورد آماج سرنگونی جنبش انقلابی مردم قرار گرفته و می‌رود که عمر ننگیناش به پایان رسد، میخواهد با ترور و کشتار زندانیان، مانع گسترش جنبش انقلابی شود. لذا، در این شرایط حساس باید با هر نیرویی که در توان داریم، سیاست کشتار و زندان را درهمشکسته و بستر گسترش جنبش را فراختر کنیم. گام مهم در این راستا، حمایت و همدردی با خانواده‌های جانباختگان و دستگیرشدگان است که همه آحاد جامعه باید انعکاس صدای آنها باشیم و با مبارزه‌ای متحدانه و همبسته برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش کنیم.

زندانی سیاسی بی هیچ قید و شرطی آزاد باید گردد- ترور شکنجه زندان نابود باید گردد! سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

امضاها : سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت دوازده آبان ۱۴۰۱ برابر با سوم نوامبر ۲۰۲۲



کارگران، زحمتکشان! انسانهای شریف و آزاده!

هزاران دختر و پسر جوان و نوجوان گمنامی که بستر ساز جنبش انقلابی کنونی در خیابانها بوده اند، همانکون در زندانند. بسیاری از فعالین جنبش کارگری، زنان، دانشجویی، محیط زیست، فرهنگ‌گوران، آزادخواهان، کنشگران رهایی از ستم ملی/اتنیکی، کوئیرها و خبرنگاران شریف، در زندانهای جمهوری اسلامی هستند. به گفته خانواده زندانیان سیاسی، ابعاد فاجعه و جانباختگان آتش سوزی و ویران سازی زندان اوین بسیار بیشتر از حد تصور است. هم اکنون بسیاری از زندانیان به علت بیماری و نبود خدمات پزشکی جانشان در خطر است. علاوه بر این بخشی از پزشکان و کارکنان شریف خدمات درمانی که بر علیه حضور نهادهای سرکوب در محیط پزشکی، ربودن زخمی شدگان و استفاده از آمبولانسها برای جابجایی سرکوب کنندگان، اعتراض کرده اند، دستگیر و در زندان هستند و یک پزشک نیز جان باخته است. در زاهدان ابعاد کشتار سپاه و بسیج، و دستگیری و زندان چنان فاجعه بار بوده که باید در تاریخ این منطقه از جامعه ثبت شود. ابعاد دستگیری‌ها آنچنان گسترده است که جمهوری اسلامی بسیاری از مراکز نظامی خود را به زندان بدل کرده و مراکز پنهان برای بازجویی و شکنجه را چندین برابر کرده است. هم زمان با تشدید سرکوب و امنیتی کردن فضای جامعه، دستگاه قضایی رژیم اسلامی نیز با پرونده سازی و اتهامات واهی، محاکمه بیش از هزار نفر از مشارکت کنندگان در اعتراضات اخیر را آغاز و برای تعدادی از آنان نیز حکم اعدام صادر کرده است. با این همه و به رغم اینکه بیم آن می‌رود که ابعاد این سیاست فاجعه



خطاب به رده های پایین نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی

دزدی و غارت ثروت هایی که حاصل رنج و کار کارگران و مردم زحمتکش بوده ثروت و پول های کلانی به جیب زده اند از همین حالا برای فرار خود نقشه ریخته و شما را در خیابان ها به جان مردم انداخته اند تا در فردای انقلاب تاوان جنایات آنها را بپردازید. سران جمهوری اسلامی به سرنوشت خود فکر کرده اند و نقشه ریخته اند تا مانند محمدرضا پهلوی و خانواده اش با چمدانهای پر از دلار از ایران خارج شوند. شما هم حق دارید و باید به سرنوشت و آینده خود و خانواده خود فکر کنید. بخود آئید، این رژیم نه تنها دشمن مردم ایران، بلکه دشمن خود شما نیز هست.

مگر بسیاری از شما را با زور و یا تحت فشار فقر و فلاکتی که به شما تحمیل کرده است به درون سربازخانه ها، پادگانها و مراکز نظامی نبرده اند؟ مگر در درون پادگانها تحت ناانسانی ترین مناسبات یک زندگی جهنمی و اطاعت کورکورانه و بی چون و چرا را به شما تحمیل نکرده اند؟ مگر به رغم میل شما فرمان شلیک و پرپر کردن رؤیاهای نیکا شاکرمی ها را صادر نمی کنند؟ مگر به رغم میل درونی شما، شما را هر روزه برای کشتار مردم به خیابان ها نمی برند؟

رده های پایین نی

روهای مسلح حکومت اسلامی!

بسیاری از شما بخشی از توده های کارگر و زحمتکش و فقیری هستید که خود و خانواده تان از زندگی تحت حاکمیت رژیم اسلامی به تنگ آمده اید. نگذارید این رژیم جنایتکار جان و زندگی شما را وثیقه بقای حیات خود قرار دهد. هنگامیکه انگشتان خود را به روی ماشه تفنگتان فشار می دهید، متوجه باشید که گلوله های آن به سینه همان مردم زحمتکشی فرو می رود که همانند شما تحت ستم و مشقت بوده اند، به سینه جوانان و مردمی فرو می روند که اراده کرده اند و برای آزادی و برابری و رفاه انسانها و برای نجات خود شما ها هم مبارزه می کنند. سرنوشت خود را به سرنوشت این رژیم جنایتکار گره نزنید. سرنوشت دیگری در انتظار شما است. دیر نکنید، تردید نکنید، همین امروز سرنوشت انسانهای آزادی خواه و برابری طلب و انقلابی را برگزینید. صف ضد انقلاب حکومت اسلامی را ترک کنید به صف مردم مبارز و انقلابی بپیوندید.

بدون تردید اگر به صف مردم بپیوندید، مردم آزاده ایران با آغوش باز از شما استقبال خواهند کرد و شما را در انتخاب و در پیش گرفتن زندگی سرفرازانه یاری خواهند داد. ■

حاکمیت جنایتبار خود، بار دیگر شما رده های پایین نیروهای مسلح را در لباس پلیس، ارتش، سپاه و بسیجی، گارد ویژه و نیروهای انتظامی و تحت هدایت فرماندهان جنایتکار به خیابان و محیط های دانشگاه گسیل داشته تا به کشتار مردم معترض بپردازید. سران و فرماندهان حکومت اسلامی در جمعه خونین زاهدان با صدور فرمان آتش به شما رده پایینی ها ۶۶ تن از مردم معترض و بی دفاع را یکجا در خون غلطاندند. سران این رژیم با گسیل شما به خیابان و با فرمان آتش تاکنون دستان شما را به خون بیش از ۲۵۰ تن از زنان و مردان انقلابی آغشته کرده اند. با انگشتان آماده شلیک شما بر روی ماشه تفنگ ۳۷ کودک را به قتل رسانده اند. حتما از فرزندان آشنایان و دوستان و همسایگان شما نیز در میان جانباختگان و زخمی ها هستند، چطور جرأت می کنید به چشمان آنان نگاه کنید؟ چطور به خودتان اجازه دادید به روی آنها شلیک کنید؟ سران و فرماندهان حکومت اسلامی با ارتکاب این جنایات به دست شما می خواهند همه پل های بازگشت شما به آغوش مردم را خراب کنند.

رده های پایین

نیروهای مسلح حکومت اسلامی!

اکنون که شش هفته از خیزش انقلابی زنان و مردان آزادیخواه می گذرد، باید برای ناآگاهترین شما هم ماهیت دروغپردازی خامنه ای و دیگر سران رژیم که معترضان را اغتشاشگر و عامل قدرتهای خارجی می دانند روشن شده باشد. آیا هر روز بی پایه بودن این یاوه گویی ها و تبلیغات دروغین را مشاهده نمی کنید؟ تا کی باید هر روز شلیک کنید و تعدادی از زنان و مردان جوان را در خون بغلطانید؟ چه پاسخی برای مادران جانباختگان دارید؟ چه پاسخی برای نسرين شاکرمی، مادر جانباخته نیکا شاکرمی دارید که در مراسم چهلمین روز جانباختن نیکا خطاب به حاضران و این زنده یاد می گوید: "دل شکسته ترینم برای رؤیاهای در خاک خفته ات، تا ابد در عذابم برای رنج هایت، اما دلبندم وقتی می بینم با پرپر شدن بذر پاک تفکر آزادی، شهامت و شرافت در دل عزیزانی دیگر شکوفا می شود خوشحالم و شکرگذار". رژیم جمهوری اسلامی که شما سرنوشت خود را به سرنوشت آن گره زده اید توانائی رویارویی با این مادران، با این جنبش و شور و شوق انقلابی را ندارد. جنبش انقلابی و دادخواهی این مادران پیروز و شکست رژیم جمهوری اسلامی اجتناب ناپذیر است.

سران و فرماندهان حکومت اسلامی که با

حدود یک ماه و نیم از خیزش انقلابی و سراسری مردم مبارز ایران می گذرد. طی این مدت زنان و مردان آزادیخواه، کف خیابان، محیط دانشگاه و مدرسه و محلات مختلف شهرهای ایران را به میدان شورش علیه کلیت حکومت اسلامی و به میدان مقابله و رویارویی با تعرض سبعانه مزدوران سرکوبگر این رژیم جنایتکار تبدیل کرده اند. طی این مدت رزمندگان کف خیابان با پیشتازی زنان آزاده بارها با ایستادگی و با شجاعت و جانفشانی های بی نظیر خود و با دست خالی نیروهای سرکوبگر را در صحنه نبرد فراری داده اند. در جریان این اعتراض ها و نبردهای خیابانی تاکنون خون بیش از ۲۵۰ تن از انسانهای مبارز بر کف خیابان و یا بر کف شکنجه گاهها ریخته شده و جان باخته اند، ۳۷ تن از این جانباختگان کودک بوده اند، هزاران نفر زخمی و بیش از ۱۰ هزار نفر دستگیر شده اند.

به رغم این سرکوب خونین خیزش انقلابی توده ها سر باز ایستادن ندارد. اعتراض های چهلمین روز قتل دولتی مهسا امینی و نیکا شاکرمی و توده ای تر شدن دامنه اعتراض ها بویژه در شهرهای سقز و مهاباد و خرم آباد و عزم رهبران و فعالین کارگری برای به میدان آوردن طبقه کارگر نشان از آن دارد که این خیزش انقلابی وارد فاز نوینی می شود. توده های پیا خاسته عزم کرده اند که حکومت اسلامی سرمایه داران را به زیر بکشند. شعارهایی که در خیابان ها و فضای شهرها و در محیط دانشگاهها طنین انداز هستند نشان از آن دارند که زنان و مردان آزادیخواه ایران عزم کرده اند که بر ویرانه های رژیم اسلامی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و به دور از فقر و محرومیت و تبعیض های جنسیتی، ملی و مذهبی برپا کنند.

این خیزش انقلابی که اکنون شش هفته از زبانه کشیدن شعله های آن می گذرد به هیچ وجه یک پدیده ناگهانی و به مانند غرش رعد و برق در آسمان بی ابر نبود. پیامد اعمال تبعیض جنسیتی و قوانین و سیاست های زن ستیزانه علیه نیمی از جامعه، شرایط مشقت باری که به کار زندگی کارگران و مردم محروم جامعه تحمیل شده بود، بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی، پامال کردن حقوق فردی انسانها، سرکوب شدید و افسارگسیختگی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی از مدت ها پیش بستر و زمینه این خیزش انقلابی را فراهم آورده بود.

رده های پایین نیروهای مسلح حکومت اسلامی!

اکنون سران حکومت اسلامی بعد از ۴۳ سال



فراخوان کمیته مرکزی کومه له

(سازمان گردستان حزب کمونیست ایران)

به رده های پایین نیروهای مسلح و مزدوران محلی رژیم در گردستان

اعزام شده باشند؟ چرا جان و زندگی شما وثیقه بقای حکومت دزدان و فاسدانی شود که در آن رهبران، مسئولان و کارگزاران و آقا زاده هایش میلیونها و میلیاردها دلار از ثروت و سامان جامعه را به جیب زداند و در داخل و خارج کشور درناز و نعمت بسر می برند. منافع شما ماندن در صفوف حامیان حکومت اسلامی نیست.

رده های پایین نیروهای مسلح حکومت اسلامی در گردستان!

هنگامیکه انگشتان خود را به روی ماشه تفنگتان فشار می دهید، این را بدانید که گلوله های آن به سینه همان جوانان و مردم زحمتکشی فرو می رود که همانند شما تحت ستم و مشقت بوده اند، به سینه جوانان و مردمی فرو می روند که اراده کرده اند برای رهایی مردم از چنگ حکومت اسلامی، برای آزادی و رفاه انسانها و برای نجات خود شما ها هم مبارزه کنند. بیش از این سرنوشت خود را به سرنوشت این رژیم جنایتکار گره نزنید. سرنوشت دیگری در انتظار شما است. دیر نکنید، تردید نکنید، همین امروز صف ضد انقلاب حکومت اسلامی را ترک کنید به صف مردم مبارز و انقلابی بپیوندید. بدون تردید اگر به صف مردم بپیوندید، مردم آزاده گردستان با آغوش باز از شما استقبال خواهند کرد و شما را در راستای در پیش گرفتن زندگی سرفرازانه یاری خواهند داد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی زننده باد حکومت شورائی مردم در گردستان

کمیته مرکزی کومه له
(سازمان گردستان حزب کمونیست ایران)
۱۲ آبان ۱۴۰۱
سوم اکتبر ۲۰۲۲

خطر را تشخیص داده اند و از حالا در فکر پیدا کردن مأمنی برای آینده خود هستند. تعدادی از آنها از رژیم فاصله گرفته و تلاش می کنند راهی برای نجات خود پیدا کنند. در این راستا تعدادی نیز صفوف حکومت را ترک کرده اند. آنهایی هم که از طریق دزدی و فساد امکانات زیبای به جیب زداند، از ایران خارج می شوند. خبر فرار محرمانه مسئولان و خانواده های ایشان به خارج کشور هر روزه از فرودگاههای ایران در رسانه ها بر ملا می شود. تا جایی که سران حکومت هم دستورات محرمانه و سری برای جلوگیری از درز اخبار آن به فرودگاهها و پایانه های مرزی میدهند.

در این میان شما رده های پایین نیروهای مسلح سپاه، ارتش، پلیس و بسیج و مزدوران محلی که به خدمت این رژیم جنایتکار درآمداید و رژیم روزانه برای قتل و سرکوب مردم از شما استفاده می کند و شما را در مقابل مردم قرار می دهد، جزو قربانیان حفظ منافع حاکمان و کارگزاران رژیم اسلامی هستید. واضح است بخشی از شما فرزندان خانواده های تهیدستی در گردستان هستید که حکومت اسلامی سرمایه بیش از ۴۰ سال فقر و تهیدستی و محرومیت را به شما و خانواده تان نیز تحمیل کرده است. کسانی که تا کنون نیز در صفوف

روند این دوره از خیزش و قیام مردم در سراسر ایران علیه جمهوری اسلامی اینک وارد مراحل حساس و سرنوشت سازی شده است. تداوم بیش از یک ماه و نیم مبارزات پیگیر روزانه زنان و مردان آزادیخواه و جوانان انقلابی و توده های به پا خاسته در ایران در بیش از چهار دهه حاکمیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی بی سابقه بوده است. بازتاب این خیزش عظیم اجتماعی که از حمایت و پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق مردم شریف و آزادیخواه در گردستان و سراسر ایران برخوردار است، در تمام دنیا انعکاس یافته است. این خیزش عظیم ریشه در فقر و بیکاری و گرسنگی، تبعیض جنسیتی و ظلم و ستمی دارد که بیش از ۴۰ سال است رژیم اسلامی به مردم کارگر و زحمتکش سراسر ایران تحمیل کرده است. بنابراین شکی نیست که این جنبش انقلابی و اعتراضات توده ای تا سرنگونی جمهوری اسلامی ادامه می یابد. تاریخ و تجربه نیز به ما نشان داده است که حکومت های دیکتاتور و ضد انسانی هر اندازه هار و درنده هم بوده باشند، در مقابل خروش انقلابی توده های مردم دوام نیاورده و زوال و نابودیشان محتمل بوده است.

با تداوم و گسترش این اعتراضات تا کنون بسیاری از عوامل و مسئولان رژیم نیز به این



رژیم تلف و یا زخمی شده اند جزو همین خانواده های تهیدست و محروم جامعه بوده اند. آیا تا کنون دیده اید فرزندان مقامات رژیم و یا فرزندان سرمایه داران به جبهه های جنگ و یا میدان مقابله با مردم معترض در خیابان

واقعیت پی برده اند که عمر جمهوری اسلامی بسرآمده و رژیم رفتنی است. احساس چنین خطری را می توان در رفتار و کلام رهبران و مسئولان رژیم از خامنه ای تا پائین نیز دید. تعدادی از مسئولان و کارگزاران رژیم نیز این

زنده باد انقلاب، زنده باد حکومت شورائی، زنده باد سوسیالیسم!

دستاورد عظیم کارگران قهرمان هفت تپه با همه هزینه های گرانی که برایش پرداختند، می رود که به یک رویکرد جا افتاده در جنبش کارگری ایران تبدیل شود. و این البته بدون تردید اهمیت حیاتی برای پیشروی جنبش کارگری دارد.

اکنون که بیش از شش هفته از خیزش انقلابی جاری می گذرد و جامعه در یک موقعیت انقلابی قرار گرفته است؛ شبکه به هم مرتبط جوانان انقلابی در محلات مختلف

بسیاری از شهرها ابتکار عمل سازماندهی اعتراض ها و مقابله با تعرض نیروهای سرکوبگر را در دست گرفته اند؛ دانشگاه ها و مدارس به محل اعتصاب و برپائی تجمع های اعتراضی و مقابله با سرکوبگران حکومت اسلامی تبدیل شده اند؛ معلمان چند اعتصاب سراسری را سازمان داده اند؛ مراسمهای یادبود جانباختگان، به میدان ابراز خشم و اعتراض انقلابی



توده ها بدل شده اند و اعتصابات و تجمع های موضعی کارگران در بخشهایی از صنایع نفت و پتروشیمی، هفت تپه و برخی رشته های دیگر در همبستگی با این خیزش انقلابی، نوید بخش به میدان آمدن طبقه کارگر است؛ به میدان آمدن طبقه کارگر با سلاح نیرومند اعتصاب می تواند تداوم و پیشروی این خیزش انقلابی را تضمین کند. در این تردیدی نیست که رهبران و فعالین جنبش کارگری که در سال های اخیر اعتصابات شکوهمندی را سازمان داده اند، به ضرورت سیاسی و طبقاتی به میدان آمدن طبقه کارگر واقف هستند. اما نگرانی از سرکوب شدید، فقر و فلاکت بی سابقه و نگرانی از تأثیرات پیامدهای اعتصاب بر زندگی خانواده های کارگری، فقدان سازمانهای توده ای و طبقاتی کارگران از جمله موانعی هستند که فعالین و رهبران کارگری برای سازماندهی اعتصاب و بسیج جنبش کارگری با آن روبرو هستند. باید به هر شکلی که می توانیم برای غلبه بر این نگرانی ها و موانع به فعالین و رهبران جنبش کارگری یاری رسانیم. با به میدان آمدن یکپارچه طبقه کارگر، با سازمانیابی این طبقه و با ایفای نقش رهبری شعار "زنده باد انقلاب، زنده باد حکومت شورائی، زنده باد سوسیالیسم" نیروی اجتماعی تحقق خود را پیدا می کند.

رژیم را خاموش کند. در ارومیه از ساعت های اولیه شب جوانان تجمع های اعتراضی برپا کردند و در برابر تعرض نیروهای دشمن راه بنیان ایجاد کردند. در سفر جوانان انقلابی تاکتیک ها و روش های جدیدی در مقابله با مزدوران رژیم اتخاذ کرده اند. در خرم آباد مراسم یادبود نیکا شاکرمی به میدان ابراز خشم و اعتراض توده های بیباخته تبدیل گردید.

در زاهدان نیروهای سرکوبگر اینبار با تانک به خیابان آمدند و تک تیراندازان را بر بام تعدادی از ساختمانها نشانند، اما به رغم همه اینها، مردم با نیروهای سرکوبگر درگیر شده و آنان را فراری دادند.

در حالیکه در بسیاری از شهرها، دانشگاهها و مدارس تجمع های اعتراضی و رویارویی با تعرض نیروهای سرکوبگر ادامه داشت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی فراخوانی اعلام کرد که "در همبستگی با مبارزات مردمی دست به اعتصاب میزنیم". بدون تردید اعتصاب نفتگران چنانکه آغاز و فراگیر شود توازن قوا را به نفع خیزش انقلابی جاری تغییر خواهد داد. اکنون نه تنها رزمندگان کف خیابان، دانشجویان، معلمان و دانش آموزان که خیابان، دانشگاه و مدرسه را به میدان اعتراض و رویارویی با سرکوبگران جمهوری اسلامی تبدیل کرده اند، بلکه جامعه با شور و شوق به آغاز اعتصاب نفتگران چشم دوخته است. به یاد داریم که در خرداد ماه سال گذشته زمانی که اعتصاب کارگران نفت بیش از صد پالایشگاه، شرکت پتروشیمی و نیروگاه مراکز تولیدی را در بر گرفت، چگونه کل فضای سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار داد. برگزاری مجامع عمومی کارگران در بخش هایی از صنایع نفت و پتروشیمی، رویکرد رهبری جمعی و شورائی از جانب آنان نشان داد که آن

اینها تنها بخشی از شعارهایی بود که در روز جمعه ششم آبان ماه، جوانان مهاباد در میان شعله های آتشی که در خیابانها برپا کرده بودند، فریاد میزدند. این شعارها چنانکه توده گیر شوند همزمان با فریاد شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "زن زندگی آزادی" می توانند افق روشنی را پیش روی این خیزش انقلابی قرار دهند. پایکوبی آنان در میان شعله های آتش بیان روشن آتش خشم خروشان مردمی است که اکنون بیش از چهل روز است همه روزه در بسیاری از شهرهای ایران به خیابان میآیند. شجاعت و قهرمانی زنان و مردان آزادیخواه، ستودنی است. آنها در مقابل یکی از هارترین رژیم های موجود در جهان رودررو ایستاده اند و با گردنی افراشته "مرگ بر دیکتاتور" را فریاد میزنند. آنان

حتی در خاکسپاری عزیزانشان اعلام می کنند: "هر یک نفر کشته شده، هزار نفر پشتشه". اعلام می کنند: "دانشجویان، دانش آموزان و جوانان انقلابی برای جانباختگان خود عزا نمیگیرند، راهشان را ادامه میدهند". آنان به این باور رسیده اند که بهترین راه گرامیداشت جان باختگان خیزش انقلابی زینا، نه عزاداری، بلکه ادامه راهشان است.

شهرهای ایران در آغاز هفتمین هفته از خیزش انقلابی، همچنان میدان ابراز وجود زنان و مردان آزادیخواه، دانشجویان و دانش آموزان و خانواده های جانباختگان است. در بسیاری از شهرها باریکادها بر پا می شوند، در شهرهای مهاباد و قصر شیرین در مقابله با تعرض نیروهای سرکوبگر فرماندارها به آتش کشیده می شوند. در تهران پایگاه سپاه پاسداران در خیابان پیروزی تهران به آتش کشیده شد و بر دیوارهای آن شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر"، "زن، زندگی، آزادی، اداره شورائی" نقش بست. در رشت نیروهای سرکوبگر را در میان شادی مردم فراری دادند. در اهواز جوانان در پارک ساحلی تجمع اعتراضی و آتش برپا کرده و نامش را آتش قیام نهادند. بسیاری از خیابانهای سنندج شبانه در تسخیر جوانان است. حمله نیروهای سرکوبگر رژیم به خوابگاه دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی سنندج نتوانست فریاد مرگ بر مزدوران

بیانیه مشترک: به سوی ایجاد قطب چپ و سوسیالیستی در کردستان

کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

برچیدن جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی در کردستان وظیفه فوری ما است!



شوراها در محلات، ایجاد سازمان و تشکلهای توده ای زنان معلمان و دانشجویان و دانش آموزان و بازنشستگان و پرستاران و دیگر بخشهای مردم تحت ستم و تلاش موثر برای در هم شکستن نیروها و نهادهای رژیم و برچیدن حاکمیت ضد انسانی آن در کردستان که حلقه ای مؤثر از جنبش سرنگونی انقلابی سراسری است.

۲- پیروزی آلترناتیو سوسیالیستی در گرو در هم شکستن قطعی قدرت دولت مرکزی، پیشروی طبقه کارگر، جنبش و احزاب کمونیستی در خلع ید از بورژوازی و کسب قدرت سیاسی و استقرار حکومت کارگری در سطح سراسری است. سهل ترین و کم در دسر ترین راه حفظ دستاوردهای مبارزاتی مردم در کردستان پیوند با جنبش سرنگونی و انقلاب در سطح سراسری در ایران است.

۳- این امکان وجود دارد که بساط حکومت در کردستان پیش از سایر نقاط ایران برچیده شود. اما سقوط و در هم شکستن نیروها و نهادهای حکومت مرکزی و عقب نشینی آنان پایان کار نیست. ما در این شرایط برای به دست گرفتن اداره امور به دست خود مردم و تشکیل ارگان های قدرت توده ای در شهر و روستا و بر حاکمیت شورایی و اعمال اراده مستقیم مردم در کردستان تاکید میکنیم. سازماندهی شوراها در حال حاضر به عنوان ابزار مبارزه، و با ساقط شدن جمهوری اسلامی به مثابه ارگان اعمال اراده مستقیم توده ای، وظیفه فوری خود و هر فعال جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی پیشرو و امر عاجل هر حزب و جریان چپ و کمونیست میدانیم.

۴- احزاب بورژوازی و ناسیونالیست در کردستان تلاش میکنند استراتژی سیاسی خود را در قالب یک ساختار فدرالیستی متکی بر سیستم پارلمانی بعد از سرنگونی رژیم اسلامی پیش برده و به مردم تحمیل کنند. چنین سناریویی نه تنها به محرومیت و بیحقوقی های سیاسی و اجتماعی مردم کردستان پایان نمی دهد، بلکه تجربه نشان داده است که طرح فدرالیسم راه حلی برای رفع

کردستان که به پشتوانه بیش از چهار دهه مبارزه بی وقفه و حضور قدرتمند سیاسی، اجتماعی و نظامی در مبارزه بی امان با جمهوری اسلامی و دفاع پیگیر از کارگران و زنان و سایر اقشار فرودست جامعه و در نقد و تمایز سیاسی از جنبش های بورژوازی، به یک نیروی موثر اجتماعی در کردستان تبدیل شده اند، مسئولیت و وظایف سنگینی بر دوش دارند.

امروز نیروهای چپ و سوسیالیست به عنوان یک جریان اجتماعی که حضور شان در مبارزات کارگران و زنان و جوانان در عرصه های مختلف اعتراض اجتماعی در شهرهای کردستان قابل مشاهده است، یک نیروی موثر و تعیین کننده برای تضمین پیشروی جنبش اعتراضی و انقلابی در کردستان هستند. در چنین شرایطی تدوین و تقویت استراتژی و آلترناتیو سوسیالیستی از طرف نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، که در آن تصویر روشنی از معنای سرنگونی جمهوری اسلامی، چگونگی پیروزی، تضمین شرکت مستقیم توده های مردم کردستان در حاکمیت سیاسی و اداره جامعه و تحقق خواستها و مطالبات مردم کارگر و زحمتکش داده شده باشد، مبرمیت پیدا کرده است.

بر این اساس و در پاسخ به این نیاز ما امضا کنندگان این بیانیه حول محورهای زیر وارد تلاش مشترک جهت شکل دادن به یک قطب چپ و سوسیالیستی در کردستان می شویم و پیشاپیش دست همه احزاب و جریانات و زنان و مردان آزادیخواه و تلاشگران چپ و سوسیالیست که می خواهند در انجام این امر مهم سهم و مشارکت داشته باشند را به گرمی می فشاریم. تلاش برای شکل دادن به یک آلترناتیو چپ و سوسیالیستی به ویژه در شرایط متحول کنونی ایران نه تنها امر احزاب و جریانات سیاسی بلکه مربوط به همه انسانهای مبارز و آزادیخواه چپ و کمونیست نیز می باشد.

۱- پیشبرد و هدایت مبارزه همه جانبه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، کمک به سازمانیابی توده ای و طبقاتی کارگران، ایجاد

جامعه ایران دستخوش تحول انقلابی بزرگی است. این واقعیت شورانگیز بر متن تعمیق بحران های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بر بستر رشد و گسترش اعتصابات و اعتراض های کارگری و دیگر جنبش های اعتراضی در جامعه شکل گرفته و مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را وارد فاز نوینی کرده است. روند رویدادها در مهر ماه امسال نشان داد که قتل دولتی مهسا (ژینا) امینی فقط جرقه ای بود که خشم و اعتراض عمومی علیه فقر و فلاکت اقتصادی، بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی، خشونت ها و تبعیض جنسیتی علیه زنان و سرکوبگری های رژیم اسلامی را به نقطه انفجار رساند و زنان و مردان آزادیخواه در بیش از صد شهر ایران را به کف خیابان کشاند. حضور پرشور مردم مبارز کردستان بویژه جوانان انقلابی با پیشتازی زنان در این خیزش سراسری و مقابله با تعرض نیروهای سرکوبگر در کف خیابان چشم انداز روشنی از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را پیش روی مبارزات انقلابی در کردستان نیز قرار داده است. این تحولات با به میدان آمدن کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و حمایت آنان از این خیزش انقلابی، برچیده شدن بساط حاکمیت این رژیم از طریق یک انقلاب توده ای را به یک امکان واقعی تبدیل کرده است.

این جنبش انقلابی و سراسری تا همین لحظه تأثیرات ماندگاری بر اوضاع سیاسی و شرایط مبارزه طبقاتی در ایران بجای گذاشته، روند رو به زوال حکومت اسلامی را سرعت بخشیده و بار دیگر پرونده مربوط به سرنوشت قدرت سیاسی را به روی جامعه باز کرده است. در قبال این روند و برای پاسخ گویی به مسائل گرهی پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و احتمالات پیش رو، صف بندی نیروهای چپ و راست جامعه در ایران و کردستان بیش از پیش عمیق تر و شفافتر شده است. در چنین شرایطی نیروهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی مردم را از انقلاب می ترسانند و تنها برای تغییر حاکمیت سیاسی ایران از بالا و بدور از دخالت دگرگون ساز مردم کارگر و زحمتکش تلاش می کنند. در این اوضاع نیروهای چپ و کمونیست در

کردستان میباشد.

آزادی، رفع ستم ملی و علیه فقر و نابرابری اجتماعی دفاع میکنیم.

۱۰- ما امضا کنندگان این بیانیه تلاش میکنیم، برای پیشبرد جهت گیریهای ذکر شده و هماهنگ کردن فعالیتهای و اقدامات مشترک مکانیزم لازم را ایجاد و اسناد ضروری را تصویب نماییم.

۱۱- ما کارگران، مردم آزادیخواه و برابری طلب در کردستان را فرا میخوانیم که خیزش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را همداش و همراه مردم ایران با قدرت و قاطعیت به پیش ببرند و در این مسیر بر استقرار حاکمیت شورائی در کردستان و سراسر ایران بکوشند. در این راستا همه زنان و مردان آزادیخواه و احزاب و سازمانها و فعالین چپ و سوسیالیست را فرا میخوانیم به تلاش مشترک ما بپیوندند.

ستم ملی و مسئله کرد هم نیست. طرح فدرالیسم مسئله ملی را مانند استخوان لای زخم باقی میگذارد، که هر زمان امکان خونریزی آن وجود دارد. ما هر نوع طرحی که ستمگری بر مردم کردستان را باقی بگذارد و به تفرقه میان مردم دامن بزند را مردود دانسته و با تکیه بر آگاهی و حضور کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کردستان در صحنه مبارزه سیاسی در مقابل آن میایستیم.

۵- ما در برابر نیروهایی که در تلاش اند سرنوشت مردم کردستان را به سیاست دولتهای امپریالیستی گره بزنند، بر مبارزه و همسرنوشتی مردم کردستان با جنبشهای پیشرو اجتماعی و توده های مردم در سراسر ایران تاکید میکنیم. مبارزات کارگران و توده مردم در کردستان پیوستگی تنگاتنگی با مبارزات سراسری مردم ایران دارد و نهایتا با سرنگونی جمهوری اسلامی به پیروزی خواهد رسید. ما در مقابل طرحها و سیاست دخالتگرانه قدرتهای جهانی و متحدان منطقه ای آنها برای تحمیل آلترناتیو راست بر روند تحولات سیاسی در ایران و کردستان، میایستیم. هر نوع طرح و آلترناتیوی از بالای سر مردم را مردود می دانیم و مجدانه برای به انزوا کشاندن آن میکوشیم.

۶- شرط لازم پیشروی مبارزه انقلابی و اعمال قدرت مردم کردستان جدایی توده های کارگر و زحمتکش از استراتژی و سیاست های احزاب بورژوا - ناسیونالیستی در کردستان و تقویت استراتژی سوسیالیستی در مقیاس اجتماعی است. انجام این امر در گرو اشاعه نقد و آگاهگری کمونیستی در مقابل افق و سیاست ملی گرایانه و ناسیونالیستی در جامعه و پیشروی جنبشهای اعتراضی و دگرگونی های واقعی در زندگی اجتماعی توده های مردم

۷- ستمگری ملی همراه با وحشیانه ترین شیوه های سرکوب از جانب رژیمهای سرکوبگر سلطنتی و جمهوری اسلامی مصائب فراوانی را بر مردم کردستان تحمیل کرده است. ما خواهان رفع فوری ستم ملی و حل مسئله کرد هستیم. برای این مهم نتیجه تصمیم آزادانه مردم کردستان به معنی جدایی و یا ماندن در چهار چوب ایران با تامین و تضمین حقوق مساوی را برسمیت میشناسیم. ما هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از تصمیم مردم کردستان و یا برسمیت نشناختن نتیجه آن با دستاویز "حفظ تمامیت ارضی" و مقابله با "تجزیه طلبی" و یا هر توجیه دیگری را قویا محکوم و مردود اعلام میکنیم. ما در عین حال بر همبستگی و همسرنوشتی مبارزاتی مردم کردستان با مردم آزادیخواه و ستم دیده در سراسر ایران تاکید می کنیم.

۸- از آنجا که رژیمهای سرکوبگر، حقوق و آزادیهای اولیه مردم کردستان را با لشکر کشی و زور و سرکوب پایمال می کنند، مردم حق دارند در مقابل آن برای دفاع از خود دست به اسلحه ببرند و از حقوق، حرمت و کرامت انسانی خود در مقابل هر نیروی سرکوبگری دفاع نمایند. حق دارند مسلح شوند و نیروی مسلح سازماندهی شده تحت هدایت نهادها و شوراهای مردمی را سازمان دهند.

۹- ما به عنوان نیروهای کمونیست و انترناسیونالیست، تقویت همبستگی کارگران و توده های زحمتکش و ستمدیده را در جهان و به ویژه در کشورهای همجوار را امر خود میدانیم، در این راستا از مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان در عراق، ترکیه و سوریه برای

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد حاکمیت شورائی! زنده باد سوسیالیسم!

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

مهر ۱۴۰۱

اکتبر ۲۰۲۲



تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل ازظهر



درس‌های انقلاب ۵۷ برای خیزش انقلابی ژینا!

کنند. در قدم اول، خمینی را از عراق به پاریس منتقل کردند و شبکه ای عظیم از رسانه های پر مخاطب را در اختیارش قرار دادند تا آن را به عنوان تنها بدیل بر سرنوشت انقلاب ایران جا بزنند.

از این رو آینده ی هر تغییر و تحول کلان در ایران، همواره با خطر مداخله ی قدرت های امپریالیستی به نفع جریانات بورژوازی و ارتجاعی به شکل بالقوه روبرو است. بی دلیل نیست که کل نیروهای اپوزسیون راست و بورژوازی - چه سلطنت طلب و جمهوری خواه، چه لیبرال و شونیست های عظمت طلب و چه احزاب و جریانات ناسیونالیستی و مذهبی - همچنان استراتژی خود را با اتکا به تغییر از بالا، رژیم چنج و مداخله های قدرت های امپریالیستی طراحی کرده اند. بی دلیل نیست که جریانات سلطنت طلب و واپسگرا با ارجاع به حاکمیت جنایتکار جمهوری اسلامی، بی وقفه توده های کارگر و زحمتکش را از انقلاب و تغییر از پایین می ترسانند، تحت عنوان مرزبندی با خشونت با انقلاب ضدیت می ورزند، زیرا می دانند در نتیجه ی انقلاب و تغییر رادیکال در جامعه، کل مناسبات سرمایه داری درهم پیچیده می شود و دست جریانات بورژوازی از قدرت سیاسی کوتاه می شود. بنابراین، در شرایطی که خیزش انقلابی ژینا در گستره ی جامعه ی ایران در جریان است و جامعه به سوی یک تحول انقلابی در حرکت است، ضرورت تاریخی، سیاسی و طبقاتی ایجاب می کند که خودمان را برای این تحول انقلابی آماده سازیم. اگر قرار باشد خطر مصادره و شکست انقلاب آینده ی ایران را برطرف سازیم، یکی از پیش شرط های آن سازمانیابی و تشکل یابی جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو و رادیکال اجتماعی است. لازمه اش ایجاد شورای های کارگری در مراکز کار و تولید است. لازمه اش ایجاد شوراهای در محلات، در دانشگاه و مدارس است. اگر بنا باشد انقلاب آینده ی ایران همچون ویرانه ای بر سر کارگران و فرودستان و کل نیروهای انقلابی و سوسیالیستی فرو نریزد، لازمه اش نیرومند ساختن صف طبقاتی و اجتماعی در مقیاس محلی و سراسری است؛ لازمه اش این است که از هم اکنون در فکر ایجاد شوراهای در کردستان باشیم و نگذاریم احزاب و نیروهای ناسیونالیست در فردای سرنگونی حکومت اسلامی، حاکمیت احزاب را بجای حاکمیت شورایی به مردم تحمیل کنند. لازمه اش ترسیم چشم انداز روشن و آلترناتیو سوسیالیستی برای دگرگونی انقلابی و برقراری جامعه ای آزاد و سوسیالیستی است؛ لازمه اش تقویت و گسترش قطب چپ و سوسیالیستی در وسیع ترین معنای آن، که هم کل نیروها و سازمان های انقلابی و کمونیستی متشکل را در کنار هم قرار دهد و هم جنبش های طبقاتی و رادیکال اجتماعی و نیز فعالین چپ و رادیکال منفرد را نیز به هم پیوند دهد.

ضربه ی مهلک و تعیین کننده ای به پیکره ی رژیم پهلوی زدند. همچنین نیروهای چپ و انقلابی جزو بازیگران اصلی این قیام انقلابی بودند. اگرچه گرایش چپ و سوسیالیستی از نیروی اجتماعی نیرومندی برخوردار بودند، اگرچه اعتصابات کارگری سرانجام کمر رژیم پهلوی را شکست و انقلاب را به امری قطعی و گریزناپذیر تبدیل کرد، اما کارگران و دیگر نیروهای انقلابی، چه در سطح سازماندهی اجتماعی و چه از لحاظ رهبری سیاسی، نتوانستند در این دوره ی انقلابی به یک نیروی مسلط و هژمون بدل شوند. با توجه به ضعف هایی که جنبش کارگری در این فرآیند از آن رنج می برد، سازمان های کارگری همچون کمیته ها و شوراهای کارگری نتوانستند بر روند سیاسی گذار به حکومت جدید تأثیر بایسته ای به نفع خود بر جای بگذارند. بر متن چنین اوضاعی، نیروهای ارتجاع اسلام سیاسی این فرصت را غنیمت شمردند و با توسل به حمایت های تعیین کننده ی قدرت های غربی و در پیش گرفتن سیاست پوپولیستی برای کانالیزه کردن طغیان اجتماعی، قدرت سیاسی را تسخیر کردند و نظام جمهوری اسلامی را بر جامعه ی ایران تحمیل کردند. نباید فراموش کرد که سرنوشتی که این انقلاب تجربه کرد به تنهایی برآیند ضعف و کمبودهای جنبش کارگری، توازن قوای نیروهای درگیر در این تحول اجتماعی و نیز فقدان هژمونی و چشم انداز روشن از سوی نیروهای انقلابی و پیشرو جامعه نبود. در حقیقت این جوش و خروش انقلابی و سرنوشت دردناک آن در جزیره ای متروکه و ایزوله شده از تأثیرات تحولات منطقه ای و کشاکش های قدرت های جهانی بر متن وقایع و تبعات «جنگ سرد» و مداخله ی ژئوپلیتیکی و امپریالیستی قدرت های بزرگ سرمایه داری غرب حادث نشد. واقعیت این است که دخالت قدرت های امپریالیستی در سرنوشت این قیام انقلابی و تصرف قدرت سیاسی از سوی اسلام گرایان شیعه نقش اساسی و تعیین کننده ای داشت. اگر انقلاب نتیجه ی ناگزیر تضادها و دگرگونی های درونی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این جامعه بود، همزاد این تحولات مداخله ی قدرت های سرمایه داری کفه ی ترازو را به نفع نیروهای اسلام سیاسی سنگین تر کرد و آنها را تا تسخیر نهایی قدرت سیاسی همراهی و پشتیبانی کرد. قدرت های اصلی امپریالیستی در کنفرانس «گوادلوپ» به این اجماع رسیدند که با دفاع همه جانبه از اسلام گرایان، بدیل آینده ی ایران را بر سرنوشت انقلاب ایران تحمیل

این خیزش انقلابی نتیجه ی مستقیم یک انفجار اجتماعی و یک تحول انقلابی برای تغییر بود، اما آماده و سازمان یافته نبود. خاستگاه اصلی و مطالبات عمومی این طغیان اجتماعی، ماهیتاً ضد سرمایه داری بود، اما توده های قیام کننده و جریانات چپ چشم انداز سیاسی و اقتصادی روشنی برای جایگزین کردن نظام سرمایه داری و استبدادی پهلوی نداشتند. در واقع از زهدان چنین شرایطی حکومتی زاده شد و نیروهایی بر مسند قدرت سیاسی تکیه زدند که مهر اوضاع و احوال آن شرایط تاریخی - سیاسی را بر تارک خود حمل کرد.

فرآیند «مد

رنیزاسیون» و دولت - ملت سازی رژیم پهلوی، رشد و توسعه ی سرمایه داری و دگرگونی های پدیدآمده در اعماق جامعه، دم به دم بر تناقضات و ستیزهای اجتماعی و طبقاتی در ژرفای جامعه می افزود و رفته رفته غلبان های عظیمی در درون جامعه در حال تکوین بودند؛ جوش و خروشی که زمینه های عینی اعتراضات اجتماعی را به همراه آورد. بر بستر چنین اوضاعی، انقلاب به امری اجتناب ناپذیر و ضروری تبدیل شد؛ انقلابی که هم ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را از بنیان تغییر دهد و هم این که راه را برای پیشرفت نیروهای مولده و تحولات عظیم تری آزاد سازد. در عین حال، جامعه ی ایران در همه ی سطوح تشنه ی آزادی و رهایی از یوغ استبداد شاه و سلطه ی امپریالیسم غرب بود. در نتیجه، اعتصابات کارگری و گستره ی امواج انقلاب در پهنای جامعه ی ایران چنان وسیع و پُر خروش بود که رژیم شاه قادر به مهار و سرکوب آن نبود. سرانجام این تحولات به سقوط نظام پادشاهی پهلوی در بهمن ۵۷ انجامید. این همان لحظه ی پرشکوه، تاریخی و به یاد ماندنی این انقلاب بود که در حافظه ی تاریخی انقلابیون حک شده است. آری، کارگران و مردمان جان به لب رسیده ی ایران نشان دادند که انقلاب در دستان آن‌ها نهفته است.

اگر به اعتراضات و اعتصابات کارگری و اجتماعی در اثنای این انقلاب بنگریم، روند تحولات بیانگر این واقعیت اند که موجی از اعتصابات گسترده ی کارگران در مراکز اصلی صنعتی در بین مهر ماه تا بهمن ماه ۵۷ نقش تعیین کننده ای در سقوط رژیم پهلوی بازی کرد. مشخصاً پیوستن کارگران شرکت نفت به روند انقلاب، با اعتصاب هایشان



ایجاد صندوق های همبستگی کارگری یک ضرورت سیاسی و طبقاتی

منافع جمع را در بین اعضای آن تقویت نمایند. باید به امر آموزش کارگران یاری رسانند؛ بطوریکه کارگران با عضویت در این صندوقها که نوعی از یک تشکل ساده است بیاموزند که چگونه باید در تعیین سیاست، سرنوشت و اداره یک تشکل، شرکت و دخالت نمایند، با مقولاتی نظیر اساسنامه، موازین عضویت، حقوق اعضا، تقسیم کار، جایگاه مجمع عمومی و غیره آشنا گردند، با حضور فعال در مجمع عمومی در تعیین سرنوشت تشکل دخیل شوند، از مسئولین حسابرسی کنند و خود مسئولیت بپذیرند.

منابع مالی این صندوقهای کارگری میتواند باید مستقیماً در جهت کمک به رفع مشکلات مالی کارگران و در جهت خدمت به مبارزات کارگران و جنبش طبقه کارگر علی العموم به مصرف برسد. بطور مثال به خانواده های کارگران زندانی، به صندوق اعتصاب کارخانه خود و دیگر کارخانجات کمک مالی کنند.

اما باید توجه نمود که رژیم اسلامی در مقابل ایجاد همین صندوقها توسط کارگران به اشکال گوناگون سنگ اندازی میکند. آنجائیکه این صندوقها به همت و با پیگیری خود کارگران و بر خلاف اراده و میل رژیم اسلامی تشکیل شده است، رژیم اسلامی تلاش میکند تا از طریق عوامل خود مانع فعالیت های صندوق شود. بنابراین از یکطرف فقدان آگاهی اعضای این صندوقها در ارتقاء اهداف این صندوقها در راه کمک به مبارزات طبقه کارگر و از طرف دیگر فشارهای رژیم اسلامی به صندوقها مانعی در راه تحول صندوقهای کارگری است. این موانع باید با فعالیت و تلاش پیشروان جنبش کارگری در جهت ارتقای آگاهی اعضای این صندوقها، با تلاش برای بسیج هر چه بیشتر کارگران برای عضویت در این صندوقها و تبدیل کردن ایجاد این صندوقها به یک سنت پایدار در میان طبقه کارگر، رفع گردد. در شرایط کنونی و با در نظر گرفتن توازن قوای موجود میان رژیم اسلامی و جنبش کارگری و همچنین با توجه به کاردانی و تجارب فعالین و پیشروان کارگری در امر پیشبرد فعالیت علنی، این امکان وجود دارد که صندوق های همبستگی کارگری را به صورت علنی تشکیل داد و آن را عملاً به رژیم تحمیل کرد.

میکند. در این موارد و یا این روزها در هنگامی که خانواده کارگری با خطر اخراج کارگران روبرو هستند، کارگران باید به کمک یکدیگر شتافته و همدیگر را یاری دهند و فراتر از آن کمک رسانی مالی به یکدیگر را از طریق ایجاد صندوقهای مالی کارگری سازماندهی کنند.

این صندوقهای مالی می تواند به همت و با تلاش و پیگیری خود کارگران تشکیل شود، توسط خود آنها اداره شود، مسئولین این صندوقها با دخالت مستقیم اعضا صندوق انتخاب گردند، همه کارگران بتوانند در آن عضو شوند. این صندوقها مستقل از مدیریت، کارفرما و نهادهای دولتی هستند و موجودی این صندوقها از طریق جمع آوری حق عضویت اعضا تأمین میشود. این صندوقها به طور عادی و مطابق نوبت به اعضای خود وام می دهند و در موقع پیش آمد حوادث غیر منتظره و ناگهانی نظیر بیماری و سوانح محیط کار یا دستگیری در جریان اعتصاب بلافاصله وام ضروری به آنها می دهد. اینکه وام ضروری به چه مواردی تعلق میگیرد و میزان این وامها چقدر است، وامها چگونه و در چه اقساطی بازپرداخت میشود و نحوه اداره صندوق چگونه است در اساسنامه صندوق تعریف می شوند و منعکس میگردد.

صندوقهای کارگری علنی باید نیازهای مالی اعضا را در محدوده امکانات و مقررات خود تأمین کند و اصولاً علت پایه ای عضویت توده های کارگران در این صندوقها همین است. توده های کارگر از طریق عضویت در این صندوقها می میتوانند مشکلات خود را از طریق تعاونی و تشریک مساعی با هم طبقه ای های خود حل نمایند. کارگران می آموزند مشکلاتی که رفع آنها از عهده تک تک کارگران، هنگامیکه به تنهایی با آن دست و پنجه نرم میکنند، بر نمیایند، در دل یک اتحاد و همبستگی می توانند بر این مشکلات غلبه کنند. ایجاد این صندوق علنی می تواند منجر به تقویت روحیه تشکل پذیری در بین کارگران گردد و موازین دموکراتیک اداره یک تشکل را به کارگران بیاموزد و اینها در گروه فعالیت پیگیر کارگران پیشرو و مبارز در این صندوقها است. فعالین پیشرو جنبش کارگری باید با فعالیت خود در میان اعضای این صندوقها روحیه تشکل پذیری، همبستگی طبقاتی و مایه گذاشتن از منافع فردی در مقابل

اکنون در شرایطی که بیش از یک ماه و نیم از آغاز خیزش انقلابی ژینا می گذرد، از زاویه منافع آتی و آتی طبقه کارگر پیوستن به این خیزش انقلابی که سرنگونی حکومت اسلامی را در چشم انداز قرار داده است به یک ضرورت سیاسی و طبقاتی برای کارگران تبدیل شده است. تردیدی نیست که رهبران و فعالین جنبش کارگری به ضرورت سیاسی و طبقاتی به میدان آمدن طبقه کارگر واقف هستند. اما باید توجه داشت که سرکوب شدید، تهدید به اخراج، فقدان سازمانهای توده ای و طبقاتی کارگران، عدم شکل گیری یک آلترناتیو نیرومند سوسیالیستی که کارگران برای پیروزی به آن امید ببندند، فقر بی سابقه و نگرانی از تأثیرات پیامدهای اعتصاب بر زندگی خانواده های کارگری، از جمله موانعی هستند که فعالین و رهبران کارگری برای سازماندهی اعتصاب و بسیج کارگران با آن روبرو می باشند. در حالی که ابعاد فقر و فلاکت اقتصادی بیداد می کند و خط فقر نسبی خانوارها در ایران به بالای ۱۸ میلیون تومان در ماه رسیده است، حتی سلطنت طلب ها و شورای مدیریت گذار هم با دستاویز قرار دادن این فقر بی سابقه جهت به بیراهه کشاندن جنبش کارگری از قدرتهای سرمایه داری امپریالیستی می خواهند برای حمایت از خانواده های کارگرانی که اعتصاب می کنند صندوق حمایتی تشکیل دهند. رهبران باتجربه جنبش کارگری می دانند که نقشه نیروهای اپوزیسیون بورژوازی برای ایجاد صندوق های حمایتی به کمک قدرتهای سرمایه داری مانند تزریق سم به تن جنبش کارگری است و در برابر این تلاش ها خواهند ایستاد.

به رغم اینها واقعیت این است که در شرایط کنونی گرانی سرسام آور و فقر و فلاکت اقتصادی یکی از موانع جدی سر راه فعالین و رهبران کارگری برای سازماندهی اعتصاب است. هنگامی که کارگران در اعتراض و مبارزه بر علیه همین وضعیت دست به اعتصاب زنند، تنگنا و مشکلات مالی شان به عنوان یک اهرم فشار برای مجبور کردن آنها جهت پایان دادن به اعتصاب عمل میکند، خانواده کارگرانی که در این مبارزه دستگیر میگردند، به شدت در مضیقه مالی قرار میگیرند. همین مشکلات در مواقعی که کارگران با حوادث غیر منتظره و ناگهانی روبرو میگردند در مقابلشان قد علم